



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۵/۰۲

داکتر تاج الدین ولس مل

خطوط اساسی یک صلح پایدار در افغانستان



مرکز ملی تفاهم و هماهنگی
برای صلح و دیموکراسی افغانستان

۱۳ حوت ۱۳۹۷

مرکز ملی هماهنگی افغانستان پیشنهادات ذیل را به دولت افغانستان، شورای مشورتی ملی که عنقریب دایر میگردد، به تمام جوانب ذیدخل پروسه صلح افغانستان، سازمان ملل متحد، و قوای ناتو و کشورهای ذیدخل معطله افغانستان تقدیم می نمایند. امیدواریم این پیشنهادات در حل معطله مغلق افغانستان و تأمین یک صلح با ثبات در افغانستان کمک نماید. ما در تطبیق این مواد با تمام توانمندی های اجتماعی که در جامعه خویش داریم حاضر به همکاری می باشیم.

الف - عوامل جنگ:

- ۱- آغاز و ادامه جنگ مسلحانه موجود در کشور عمدتاً در نتیجه قیام جنبش طالبان در اصل بر ضد دولت جمهوری اسلامی افغانستان و در ظاهر به ضد حامیان بین المللی آن بخصوص ایالات متحده آمریکا می باشد؛
- ۲- جنبش طالبان در ظاهر دلیل قیام خود را جهاد برای ختم اشغال نظامی افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا قلمداد می نمایند؛
- ۳- طالبان دولت موجوده افغانستان را به عنوان یک دولت مشروع به رسمیت نشناخته، آنرا دست نشانده آمریکا دانسته حاضر نیستند مستقیماً با آن به عنوان جانب مقابل مذاکره کنند؛
- ۴- موقعیت ستراتیژیک افغانستان همیشه ابرقدرت ها را برای کسب تسلط جهت پیشروی خود و محاصره مخالفین شان وادار به اشغال این کشور نموده و می نمایند؛
- ۵- کشف منابع سرشار طبیعی افغانستان به شمول آب، انرژی و معادن وسیع این کشور سبب جلب توجه و رقابت بین کشورهای مقتدر جهان و منطقه گردیده است؛

- ۶- کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر که زمینه مداخلات سیستم های مافیایی جهانی را مساعد ساخته، برای ادامه و رشد این اهداف، ای گروپ های مافیایی همیشه در تلاش از بین بردن صلح و استقرار نظام در افغانستان می گردد؛
- ۷- غربت، بی سواد، بیکاری و علاقه مندی نا خبرانه و افراطی افغانها به اسلام که همیشه قربانی اسلام گردیده است، وسیله مؤثری برای ادامه جنگ می باشد؛
- ۸- ادامه این جنگ نیابتی، افغانستان را برای فعالیت های سایر گروه های تروریستی مانند داعش و سایر افراد و گروه های تروریستی کشورهای آسیای مرکزی نیز مساعد نموده است؛
- ۹- دلایل ادامه موجودیت نظامی امریکا و متحدان ناتوی آن در افغانستان مقابله با تهدید تروریسم بین المللی القاعده در منطقه و حمایت از دولت افغانستان برای جلوگیری از احتمال تبدیل شدن دوباره افغانستان به یک کشور امن برای القاعده و سائر گروه های تروریستی بیان شده است؛
- ۱۰- مزید بر آن، استفاده از موقعیت ستراتیژیک افغانستان در حاشیه جنوبی آسیای مرکزی برای مقابله با نفوذ روز افزون منطقوی و جهانی قدرت نظامی روسیه، چین و ایران، ادامه موجودیت پایگاه های نظامی امریکا را در افغانستان توجیه می کند؛
- ۱۱- پالیسی های ناقص و ناکام جامعه بین المللی در افغانستان که به عوض حمایت از یک دولت مرکزی قوی، با دوباره به قدرت رسانیدن تمام نیروهای جنگجو، و غارتگر به اساس توافق نادرست بن به حیث یک افزار بسا خطرناک استفاده نموده، که سبب ضعف اداره مرکزی و بوجود آمدن جزیره های بی شمار قدرت در ولایات مختلف گردیده است. این ناقصین حقوق بشر با استفاده ازین پدیده شوم، و همکاری بین المللی شان نه تنها تمام دارایی های ملی را به غارت برده، و تمام کمک های بین المللی را با مشارکت با رفقای چپاولگر بین المللی شان چور و چپاول نموده، به حیثیت و آبروی نظام لطمه شدید وارد و برای حفظ این دارای های غیر قانونی شان هنوز هم به زورگویی و اعمال نفوذ استفاده می نمایند؛
- ۱۲- همین چپاولگران حرفوی، علاوه بر این برای جلب حمایت ممالک همسایه از هر نوع تخریب بر علیه نظام صرفه نمی نمایند. که موجودیت این ستون پنجم در نظام باعث ادامه و پیشرفت های مزید جنگ جویان طالب گردیده است.
- ۱۳- جنبش طالبان در ادامه این جنگ در افغانستان از حمایت همه جانبه سازمان های استخباراتی، نظامی و اردوی پاکستان برخوردار است؛
- ۱۴- تهدید نفوذ داعش به کشورهای آسیای مرکزی و ایران از راه افغانستان کشورهای روسیه و ایران را به حمایت از طالبان برای مقابله به این تهدید واداشته است؛
- ۱۵- مزید بر آن ستراتیژی متزلزل کردن موجودیت پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان برای طویل المدت کشورهای روسیه، ایران و چین را به حمایت پنهانی از طالبان واداشته است؛
- ۱۶- همسایه های افغانستان موجودیت یک دولت مرکزی توانمند در افغانستان را برخلاف منافع شان توجیح نموده و به همه توانمندی های شان برای جلوگیری از صلح، و ایجاد یک دولت ملی به ادامه و شدت جنگ در افغانستان تلاش می نمایند؛
- ۱۷- پدیده چند سره داعش، مقابله و در عین زمان استفاده ابزاری از آنها توسط استخبارات کشورهای مختلف، به پیچیدگی بحران در افغانستان افزوده است؛
- ۱۸- عوامل و شرایط بالا ادامه بحران و جنگ را در افغانستان پیچیده ساخته و ناگزیر راه های حل آنرا هم معلق نموده است؛

۱۹- جنبش طالبان در تعیین ستراتیژی رسیدن به یک توافق صلح ناگزیر به مراعات اهداف ستراتیژیک حامیان خود می باشد؛ که این عمل خود پروسه صلح را دشوارتر می نماید؛

۲۰- در حالیکه ترکیب طالبان متنوع بوده و عده زیاد آنها وطن دوست و خلاف ادامه جنگ در کشورند، متأسفانه آنهایی که دارای چنین عقاید اند، یا از پروسه صلح دور نگهداشته شده و یا صلاحیت های لازم را ندارند؛

ب - واقعیت های عینی :

۱- ضرورت مقطعی قوای بین المللی ناتو در افغانستان، که وسیله مؤثری برای جلوگیری مداخلات مزید کشور های همسایه خصوصاً پاکستان و ایران گردیده است، دولت افغانستان را ناگزیر مجبور به حمایت از موجودیت آنها در افغانستان می نماید؛

۲- پافشاری طالبان بالای خروج قوای ناتو خواسته خود طالبان نه بلکه یک خواسته ترزیک شده کشورهای همسایه و منطقه می باشد. چون آنها می دانند که در صورت خروج قوای ناتو دولت افغانستان شاید توانمندی دفاع از خود را نداشته و آنها دوباره به هدف عمق ستراتیژیک شان مثل سال های ۱۹۹۲-۲۰۰۱ متصل گردند؛

۳- طرفداری از طالبان از طرف چین، روسیه و کشورهای دیگر منطقه برای مجادله با داعش، که یک پدیده مجهول الهویت و مجهول المنبع برای ناآرام سازی این ممالک براه انداخته شده است، جنگیدن طالبان با داعش و متهم نمودن دولت افغانستان برای همکاری با داعش وسیله خوبی تبلیغاتی طالبان بر ضد دولت و جلب طرفداری ممالک منطقه گردانیده است؛

۴- جنبش طالبان در ادامه جنگ در افغانستان از امکانات وسیع پولی، بانکی، اطلاعاتی، مخابراتی، پلانگذاری، سوق و اداره، لوژستیک، ترانسپورتی، تعلیماتی، صحنی، موجودیت پناهگاه های امن، تهیه و ذخیره اسلحه، تجهیزات و مهمات نظامی در خاک پاکستان استفاده میکند؛

۵- طالبان امریکا را جانب مستقیم مقابل مذاکره کننده دانسته و امیدوارند تا با امریکا برای ختم جنگ به توافق رسیده و در نتیجه دولت امریکا نیروهای امنیتی افغانستان را خلع نموده دولت افغانستان را به آنها واگذار نماید؛

۶- دلایل پشت پرده حمایت وسیع سیاسی و نظامی پاکستان از طالبان احیای مجدد یک دولت کاملاً وابسته در افغانستان می باشد تا این دولت عمق ستراتیژیک لازم را برای پاکستان در مقابل هند فراهم نماید؛

۷- پاکستان از موجودیت دولت های وابسته در افغانستان با رویکار آمدن دولت های مجاهدین و طالبان بین سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۶ برخوردار بود؛

۸- ادامه و مدیریت جنگ در افغانستان برای دولت و اردوی پاکستان پر مصرف نیست. جنبش طالبان در ادامه جنگ در افغانستان بر علاوه عواید کشت و قاجاق تریاک و سائر منابع داخلی عایداتی، از کمک های پولی و سائر همکاری های پنهانی یکتعداد کشورهای عربی، روسیه و ایران نیز برخوردار است؛

۹- دولت پاکستان اکثراً و مکرراً از کمک های نظامی امریکا برای ایجاد، تربیه و تجهیز طالبان و سایر گروه های تروریستی استفاده نموده است؛ و ازین طریق کمک های سرشاری را برای بقا و نفوذ بیشتر نظام دیکتاتورانه خویش استفاده نموده و تروریزم را در منطقه و به هر کشوری مورد نظر صادر می نماید؛

۱۰- انواع و طرز فعالیت گروه های تروریستی در منطقه وقتاً فوقتاً تغییر نموده و این امر از طرف مراجع مغشوش طوری ترتیب میگردد که تمام مردم افغانستان و منطقه را گیج و سبب عدم اعتماد بالای یکدیگر و جامعه بین المللی گردیده است؛

۱۱- از سالها به این طرف سازمان استخبارات نظامی پاکستان به تحقق دو سناریو دلبسته است:

■ خروج اجتناب ناپذیر امریکا از افغانستان ■ و سقوط اجتناب ناپذیر دولت افغانستان

بنابراین سازمان استخبارات نظامی پاکستان حاضر است منتظر بماند و از این رهگذر هیچ عجله برای دستیابی به یک توافق صلح در افغانستان ندارد؛

۱۲- در نتیجه طالبان حاضر خواهند شد، تا در مذاکرات به اصطلاح "بین الافغانی" صلح با دولت افغانستان نه به عنوان یک دولت بلکه به عنوان یک طرف سیاسی در پهلوی سائر احزاب سیاسی سهم بگیرند؛

۱۳- به نظر میرسد که رئیس جمهور اشرف غنی مخالفت خود را با طرح موجود صلح به حُلمی خلیل‌زاد نماینده وزارت خارجه امریکا ابراز داشته است؛

ت - پیشنهادات گنگ و قابل توجهات مختلف:

۱- شعار تشکیل حکومت اسلامی از جانب طالبان گمراه کننده است، چون دولت فعلی و قانون اساسی موجوده نیز اسلامی میباشند!

۲- به نظر میرسد که گروه های اشتراک کننده در کنفرانس اخیر صلح مسکو، دولت امریکا و روسیه با این طرح مخالف نیستند؛

۳- جنبش طالبان خود را "امارت اسلامی" ساقط شده در سال ۲۰۰۱ قلمداد میکند؛ اما تا الحال نتوانسته است یک تصویر روشنی از اسلام دلخواه شان به مردم ارائه نمایند.

۴- امتیاز دادن برای طالبان آنها را به این باور متکی نموده است که در نتیجه همچو مذاکرات طالبان به عنوان جانب برنده، حکومت آینده افغانستان را تشکیل میدهند و آنها در مقابل اجازه میدهند سائر گروه های سیاسی نیز در دولت آنها اشتراک داشته باشند؛ که گرفتن چنین موضوعیگیری یک امر غیر عملی به نظر می رسد.

۵- به نظر میرسد که بعد از چندین دور مذاکرات مستقیم با امریکا برای طالبان یک تصور نادرست تسلیمی دولت افغانستان از جانب امریکا به طالبان ارائه شده که به جز از یک خیال ناممکن چیزی دیگری نیست؛

۶- منحل ساختن نیرو های امنیتی افغانستان؛ منحل نمودن قانون اساسی و شورای ملی؛ و به عوض آن تأسیس یک شورای علما از طرف طالبان که این شورا قانون اساسی آینده اسلامی را تصویب خواهد کرد؛ همه، پلان های پشت پرده پاکستان بوده که در خفا پرده از زبان طالبان برمی آید.

۷- طالبان واضح ساختند که به حقوق سیاسی و اجتماعی مردم و حقوق زنان در حدود احکام شریعت اسلامی موافقه دارند؛ اما این حدود به تعبیر آنها مرتبط بوده، در مورد وضاحت وجود ندارد.

۸- طالبان واضح ساختند که می خواهند قانون اساسی موجوده "اصلاح" شود اما واضح نساختند که با کدام مواد قانون اساسی موافق نیستند؛

۹- باید طالبان برداشت خود را از آنچه "ارزش های اسلامی" در مورد حقوق زنان میدانند و همچنان برداشت خود را از آنچه "اصول اسلامی" از حقوق اساسی سیاسی مردم و آزادی بیان می پندارند

روشن سازند و توضیح دهند که به ارتباط این دو مورد مشکل آنها با مواد مندرجه قانون اساسی چه میباشند!

۱۰- طرح شورای علمای طالبان یک طرح غیر لزومی، گنگ و غیر قانونی بوده، نظام افغانستان را از مسیر قانون تغییر داده می تواند.

۱۱- از جانب دیگر مولوی عباس نماینده طالبان در صحبت های شان خود را کل تصور نموده به دیگران حق مشارکت را ارائه می نماید. که این طور صحبت ها به جز از زور گویی و اطفافه گویی افراطی چیزی دیگری شده نمیتواند.

ب- نواقص پروسه و پیشنهادات موجود:

- ۱- دایر نمودن مذاکرات در کشور های دخیل معضله یکی از مشکلات بوده و نه باید ادامه نمایند.
- ۲- تمام گروه های سیاسی و افرادی که بر اساس قانون اساسی در افغانستان فعالیت میکنند منافع مشترک دارند و باید با صدای واحد با گروه طالبان مذاکره کنند؛
- ۳- تنزیل مقام دولت افغانستان به حد یک تنظیم سیاسی خلاف منافع مردم کشور و به نفع طالبان طرح ریزی شده است؛
- ۴- اشتراک عده ای از گروه هایی به نام جهادی که جز از غارت گران؛ جنگجویان نمی باشند؛ و اصولاً حق راجستر شدن به حیث یک جریان متمدن و سیاسی را ندارند؛ مسئله صلح را بیشتر دشوار نوده است.

ت - خطوط سرخ:

- ۱- نگهداشت نظام و یک نظام توانمند مرکزی
- ۲- جلوگیری از هر نوع حکومت های انتقالی
- ۳- احترام و تطبیق اصول علیای دیموکراسی و شایسته سالاری به اساس انتخاب مردم و جلوگیری همه جانبه از تقسیم قدرت به اساس حزب، قوم، زبان، و اشتراک در جنگ به نام جهاد و مقاومت، که منشاء و سبب تمام بدبختی های جامعه ما گردیده است.
- ۴- جلوگیری از کسب، انحصار و ارثی ساختن مقام ها، صلاحیت ها و کسب هر نوع امتیازات دیگری به نام جهاد، مقاومت برای غصب و یا ادامه و تحفظ قدرت و سرمایه بر اساس برسر اقتدار نمودن اشخاص و گروه هایی که در ۱۸ سال گذشته ملک را تاراج نموده، مردم را پر عمل گرفته صلح و نظام را تهدید و در انحصار خود نگه می دارند.
- ۵- تأمین عدالت و رعایت تمام حقوق بشری اصول بنیادی غیر قابل معامله می باشد. افغانها نمی توانند تعریفات گنگ و سرنوشت نامعلوم را تحت نام صلح را بپذیرند.
- ۶- لغوه و جلوگیری از تمام تشکیلات نظامی که بطور غیر قانونی خود را تحت نامهای احزاب سیاسی کتمان و راجستر نموده اند.
- ۷- تأمین و تضمین با اعتماد حفظ استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان
- ۸- تأمین حفظ و مراقبت جدی از تمام سرحدات افغانستان و جلوگیری مؤثر از نفوذ گروه های تروریستی در افغانستان

۹- زمینه سازی برای اشتراک سیاسیون سالم افغان که برای سال های زیادی از صحنه سیاسی بدور رانده شده اند.

ب - پیشنهادات :

اول - پیشنهادات پروسویی:

- ۱- تدویر مذاکرات چند جانبه بین الافغانی گروههای سیاسی و دولت با طالبان
- ۲- تدویر لویه جرگه مشورتی صلح یک راه حل درست و منطقی بوده، تمام گروههای سیاسی و افرادی که بر اساس قانون اساسی در افغانستان فعالیت میکنند و منافع مشترک دارند باید از پیشنهاد تدویر لویه جرگه مشورتی صلح حمایت و با آن همکاری نمایند؛
- ۳- درین لویه جرگه مشورتی صلح به نمایندگان افغانهای مقیم در شهرهای بزرگ در دور دنیا فرصت و امکانات اشتراک فراهم گردد.

ب پیشنهادات محتوایی:

- ۱- افغانستان بحیث یک ملت واحد، آزاد، مستقل و ساحة غیر نفوذی (بفر) مثل سویس در بین ابرقدرت ها از طرف تمام ابر قدرت ها و قدرت های منطقی شناخته شود.
- ۲- اصل حفظ و بقای دولت افغانستان و سازمان های ملی امنیتی، قضایی، تعلیماتی و اداره دولت قابل مذاکره نبوده آنچه طرف مذاکره است چگونگی سهم ساختن عادلانه طالبان در اداره دولت و حیات سیاسی قانونی کشور می باشد؛
- ۳- قانون ثبت و راجستر شدن احزاب سیاسی در کشور تجدید نظر گردیده، وزارت عدلیه تمام اصول و مقررات تشکیل احزاب سیاسی را بدقت مطالعه، اصلاح و در تطبیق آن اقدامات جدی نموده، تا تمام گروه های جنگی از صلاحیت های سیاسی محروم گردند.
- ۴- افغانستان با حمایت همه جانبه تمام کشور های ذیدخل در سطح ارتقای اقتصادی و سیاسی همکاری شود، تا در آینده جلو هر نوع مداخلات و بهانه جوی ها برای ابر قدرت های نزدیک و دور نگهداری گردد.
- ۵- خلع سلاح تمام گروه های نظامی و سیاسی سری و علنی
- ۶- ایجاد و گسترش پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای منطقه که سبب از بین رفتن بیکاری، غربت و وسیله کارایی وسیع برای مردم شده، در تأمین ثبات اثرگذار خواهد بود.
- ۷- از تمام کشورهای همسایه، منطقه و دور تضمین قابل الاجرا از عدم مداخلت در امور افغانستان گرفته شده و به صورت جدی نظارت و تطبیق گردد.
- ۸- دولت افغانستان منافع مشروع کشور های همسایه، منطقه و ابر قدرت ها را در نظر گرفته، و در راه ترقی کشور از یک توازن سالم قوا برای پیشرفت کشور در عرصه های تعلیم، صحت، تخنیک، نظامی، و اجتماعی استفاده نماید، تا سبب نفوذ بیشتر یک جهت و نارامی جوانب دیگر نگردد.
- ۸- در هر فیصله حق خود مختاری تمام مردم در کشورهای همسایه احترام گذاشته شده، عملی گردد.
- ۹- به طالبان پیشنهاد شود که در بدل ختم جنگ و شرکت در حیات سیاسی کشور از راه های صلح آمیز سهمگیری مساویانه و بیطرفانه آنها در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شورای ملی و شورا های ولایات و ولسوالی ها با نظارت ملل متحد ضمانت خواهد شد؛

۱۰- ارزش های آتی که دستاورد مردم افغانستان در هژده سال گذشته است نباید قربانی توافق سیاسی با طالبان گردند:

❖ اصل آزادی فکر و بیان و آزادی تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی؛

۱۱- اصل انتخابات آزاد و حکومت انتخابی مسؤول در مقابل پارلمان انتخابی مردم؛

۱۲- اصل دیموکراسی و شایسته سالاری در تمام امور و صلاحیت های کشور

۱۳- اصل عدالت اجتماعی و احترام به قانون اساسی کشور و تطبیق همه جانبه قانون اساسی کشور بالای هم بدون امتیاز.

۱۴- اصل بیطرفی فعال افغانستان در جهان

۱۵- اصل رعایت حقوق بشر در همه موارد.

۱۶- اصل غیر سیاسی نگهداشتن تمام قوای عدلی، امنیتی و تعلیمی

۱۷- اصول استقلال قوه قضائیه و آزادی مطبوعات ؛

۱۸- حقوق اساسی فردی که شامل مساوات حقوق زنان و مردان است باید تضمین گردد؛

۱۹- موجودیت و انکشاف معارف و تعلیم و تربیه همگانی ابتدائیه، ثانوی و عالی مطابق معیارهای بین المللی بطور مساوی برای زنان و مردان باید ضمانت گرد

۲۰- موجودیت خدمات صحتی و دسترسی مساویانه به خدمات صحتی برای زن و مرد باید ضمانت گردد.



یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی لیکوال نوری لیکنی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخوړ باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی او مطالب د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کری!

خطوط اساسی یک صلح پایدار در افغانستان

[T_melatmal_khotoot_assasi_solh_pasyadaar.pdf](#)